

**درک زیبایی‌شناسی بصری احجام و توده‌های ساختمانی، از دیدگاه ساکنان منطقه ۲ شهر تهران\***فرانک عطارد<sup>۱</sup>، سیدمحسن حبیبی<sup>۲\*</sup>، حسین ذبیحی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲

چکیده

**بیان مساله:** دیدها و منظره‌های شهر تهران، در مقیاس‌های گوناگون، از دیدگاه زیبایی‌شناسی بصری، فاقد ترکیب‌های هماهنگ و نظام‌مند هستند. فارغ از پوشش‌های گیاهی، عناصر مربوط به رفت‌وآمدها، تاسیسات و تجهیزات شهری و...، شاید سهم زیادی از این آشفتگی‌ها و ناهماهنگی‌ها در چهره شهر، مربوط به نوع طراحی و ترکیب توده و حجم‌های ساختمان‌ها باشد.

**سوال تحقیق:** با توجه به این که چشم آموزش‌دیده در زمینه معماری و شهرسازی، تصویری نازیبا و ناخوشایند از ترکیب این توده‌های ساختمانی دارد، این پرسش مطرح می‌شود که طراحان و ساکنان امروز، جنبه زیبایی و مطلوبیت فرم و ظاهر ساختمان‌های شهر و ترکیب آن‌ها را چگونه می‌بینند؟ آنان چه معیارها و ارزش‌هایی در سر دارند که نمود و جلوه بیرونی آن‌ها، در بازخوانی توده‌ها، فرم‌های ساختمانی کنونی متجسم می‌شود؟

**اهداف تحقیق:** مقاله حاضر برای پاسخ به پرسش‌های فوق و به دنبال بررسی چگونگی درک زیباشناسی بصری، به کندوکاو در مسائل عینی و ذهنی گروهی از ساکنان منطقه ۲ شهر تهران، می‌پردازد، تا از این طریق بتواند نحوه و نوع درک و تجربه آنان را نسبت به ویژگی‌های بصری احجام و توده‌های ساختمانی محیط زندگی‌شان دریابد؛ به عبارت دیگر هدف این مقاله، دستیابی به عوامل موثر بر درک زیباشناسانه ساکنان شهر (منطقه ۲ تهران) نسبت به ساختمان‌های محیط زندگی خود، می‌باشد.

**روش تحقیق:** این مطالعه با روش پژوهش نظریه زمینه‌ای انجام می‌گیرد. نظریه زمینه‌ای، بر اساس روش استقرایی پیش می‌رود و به جای آزمون نظریه‌های موجود، پژوهش را با زمینه مطالعاتی شروع می‌کند. در روش زمینه‌ای با کشف مفاهیم و مقوله‌ها و ارتباط میان آن‌ها، مدلی زمینه‌ای که در این پژوهش نشان‌دهنده چگونگی درک و تجربه ساکنان نسبت به زیبایی‌شناسی بصری محیط زندگی‌شان هست، به دست می‌آید.

**مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق:** در جریان تعاملات ذهنی ساکنان منطقه ۲ شهر تهران و در بستر سه مقوله علی / شرایطی ("مدیریت شهری سوداگرا"، "سرگردانی میان حفاظت تا تغییر بافت شهری"، "ناپایداری خواسته‌ها و شرایط ساکنان")، و در ارتباط با شش مقوله تعاملی و دو مقوله اصلی‌تر ("بی‌نظمی‌ها و بدترکیبی‌های بصری" و "کمبود فضای باز و ازدیاد تراکم‌ها")، و با دو مقوله پیامدی ("فراموشی زمان حال محیط زندگی" و "قطع ارتباط با محیط زندگی")، مفهوم "درک نامطلوبی بصری از شهر" به عنوان پدیده هسته این مدل، مشخص می‌شود. همچنین مقایسه تطبیقی میان نتایج برآمده از مطالعات میدانی و مطالعات نظری پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم مورد اشاره هر دو دسته، بسیار به هم نزدیک هستند و تقریباً یکدیگر را پوشش می‌دهند.

**کلمات کلیدی:** زیبایی‌شناسی بصری، زیبایی‌شناسی شهری، حجم و توده ساختمانی، نظریه زمینه‌ای، منطقه ۲ شهر تهران.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری فرانک عطارد، با عنوان "تحلیل زیباشناسانه دیداری: از منظر تاثیر ضوابط و مقررات شهرسازی بر توده‌های ساختمانی، مورد پژوهی: منطقه ۲ شهر تهران" با راهنمایی دکتر سیدمحسن حبیبی و مشاوره دکتر حسین ذبیحی، در دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی است.

۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ایمیل: faranak.atarod@yahoo.com

۲\* استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ ایمیل: smhabibi@ut.ac.ir

۳ استادیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ایمیل: h.zabih@srbiau

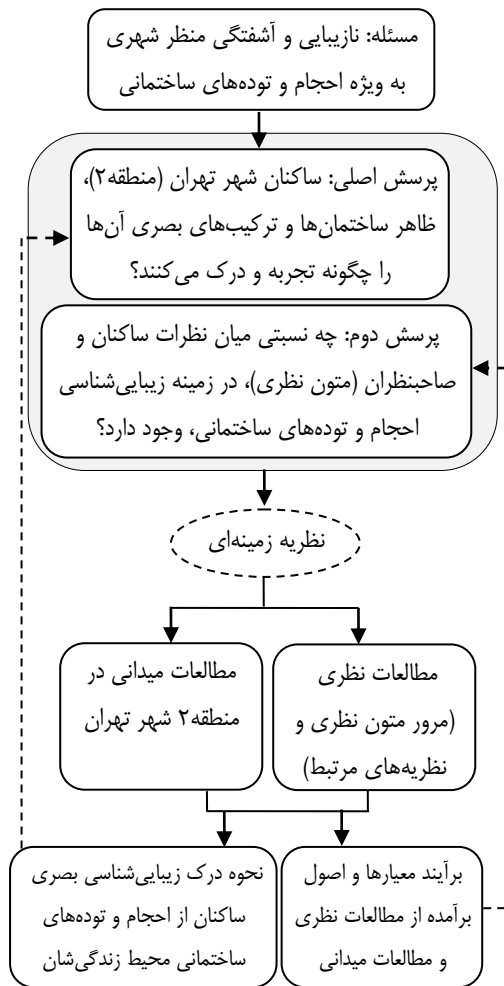
## ۱- مقدمه

سهام زیادی از آشنفگی ها و ناهماهنگی ها در چهره شهر، هم در مقیاس کلان و هم در مقیاس خرد، مربوط به نوع طراحی و ترکیب توده و حجم های ساختمان ها است؛ زیرا فارغ از پوشش های گیاهی، عناصر مربوط به رفت و آمدها، تاسیسات و تجهیزات شهری و... این توده های ساختمانی هستند که بخش زیادی از سیما و منظر شهری را به خود اختصاص داده اند.

مسئله اصلی این است که تصور زشتی و ناخوشایندی در ترکیب این توده ها و حجم های ساختمانی، در ذهن شهروند می نشیند یا با آن خو می گیرد، یا از آن آزرده می شود. همچنین دشواری بیشتر برای چشم آموزش دیده در زمینه معماری و شهرسازی است، که ارزیابی و تطابق ویژگی این ساختمان ها و ترکیب آن ها، بر اساس چارچوب ها، اصول و معیارها و قوانین زیبایی شناسی از منظر نظری و علمی، زشتی و ناخوشایندی سیما و منظر شهری را برای او دوچندان می کند.

این مسئله می تواند نشان دهنده این موضوع باشد که جهان نظری زیبایی و زیبایی شناسی فرم ساختمان، و سلیقه عمومی و عملی طراحان ساختمان ها (حرفه ای و غیر حرفه ای)، نسبت به مفهوم زیبایی متفاوت عمل می کنند. وجود تفاوت های احتمالی می تواند حاکی از وجود مجموعه ای دیگر از معیارها، مبتنی بر تمایل و سلاقی طراحان و متقاضیان باشد که به نظر می رسد این معیارها، با آنچه تحت تاثیر آموزش های دانشگاهی و تجربیات حرفه ای بر مبنای آرای صاحب نظران و تئوری های علمی، طرح می شود، فاصله ای بسیار دارند.

بنابراین به دنبال مطرح شدن مسائل بالا، پژوهش حاضر به دنبال کشف چگونگی درک بصری شهروندان از وضعیت زیباشناسانه توده های ساختمانی، به پرسش از ساکنان منطقه ۲ شهر تهران در این زمینه، و نیز به بررسی متون نظری مربوطه (به عنوان مبنایی برای مقایسه ای تطبیقی) می پردازد. بر این اساس، دیدگاه اتخاذ شده در این پژوهش دیدگاهی تعاملی است که با مورد توجه قراردادادن معیارها و ویژگی های نظری (عینیت گرایانه)، به دنبال یافتن نوع درک و نگاه استفاده کنندگان از محیط های شهری (ذهنیت گرایانه) نسبت به زیبایی شناسی شهری کالبدی-بصری است.



شکل ۱- ساختار و روند پژوهش حاضر. (منبع: نگارندگان)

در این پژوهش، اساس کار بر انجام روش تحقیق "تولید نظریه زمینه ای"<sup>۱</sup> قرار گرفته است. در این روش، منابع گردآوری داده ها دو دسته اند: منابع اولیه و ثانویه. در پژوهش حاضر، منابع اولیه، از متن مصاحبه های انجام شده با شهروندان تهران (ساکنان منطقه ۲) جمع آوری شده؛ و بخش نظری، به بررسی مقالات و متون مرتبط با موضوع، به عنوان منابع ثانویه، اختصاص پیدا کرده است. بنابراین در واقع ابتدا به مطالعات زمینه ای و بررسی ذهنیات شهروندان و استفاده کنندگان از فضاهای شهری (ساکنان منطقه ۲ شهر تهران) پرداخته، و پس از آن، با تحلیل این ذهنیات و به دست آوردن مفاهیم و مقولات مرتبط با موضوع، جهت گیری مطالعات در حیطه متون نظری مشخص شده است. اما برای رعایت چارچوب نگارش، در تدوین مقاله، مطالعات نظری پیش از



توان بر اساس پدیدارشناسی، عینیت و ذهنیت را باهم در مورد پدیده‌ها به کار برد. تحلیل‌های فلسفی جدیدتر با اتخاذ دیدگاهی تعاملی، معتقدند حس زیبایی از الگوهایی که مردم و اشیا را به هم مرتبط می‌سازند، نشات می‌گیرد. برای مثال، گفته شده که زیبایی در تجارب پردازشی ادراک‌کننده جای داشته و از تعامل ویژگی‌های محرک‌ها و فرآیندهای شناختی و عاطفی ادراک‌کننده‌ها حاصل می‌گردد (Beardsley. 1958. 121; Dewey. ۱۹۳۴). یا گفته شده که اگرچه زیبایی امری عینی نیست که در خود اثر به صورت مستقل وجود داشته‌باشد، اما به این دلیل که زیبایی‌شناسی در حوزه شکل و فرم معنا پیدا می‌کند و توسط ذهن تحلیل می‌شود، هر اثر هنری، کیفیتی مستقل از تحقق معنا و محتوایش در ذهن مخاطب دارد و مقید به احساسات مخاطبان نیست. بنابراین اثر هنری با استقلال شکل می‌تواند منشا بروز احساسات متفاوت در مخاطبانی باشد که قابل پیش‌بینی نیستند و می‌توانند قرائت‌های متفاوتی از برداشت‌های خود عرضه کنند (نوروزی طلب، ۱۳۸۷، ۷۵). در واقع، راه‌حل معقول (و معمول) مجادله عینی-ذهنی در ارزیابی کیفیت زیباشناختی، اذعان بر این دارد که کیفیت زیباشناختی، محصول مشترک مشخصه‌های قابل رؤیت است که با فرآیندهای روان‌شناختی مربوطه (ادراکی، شناختی و هیجانی) در مشاهده‌گر انسانی تعامل دارند (Lothian. 1999. 183).

پاکزاد و ساکی عقیده دارند که واکاوی مفهوم زیبایی به-جز در سال‌های اخیر غالباً با دیدگاه عینیت‌گرا بررسی شده و به همین دلیل، نظریه‌پردازان و طراحان شهری معیارهای فرمال متعددی برای خلق مکان‌های زیبا ارائه داده‌اند (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳، ۶). اما علاوه بر این معیارها، مطالعاتی با رویکرد ذهنی‌گرایی انجام شده که بیشتر به ارزیابی نظرات مردم از زیبایی فضاهای مختلف می‌پردازند. مقاله پیش رو نیز، در زمینه درک مطلوبیت-های بصری، نظرات شهروندان ساکن در منطقه ۲ شهر تهران را اساس به‌دست‌آوردن معیارهای مربوطه نموده-است؛ با این تفاوت که این امر، با استفاده از روش کیفی (تئوری زمینه‌ای) و بر مبنای مصاحبه عمیق، صورت پذیرفته‌است.

مطالعات میدانی و زمینه‌ای آورده شده‌اند. در شکل ۱ ساختار شکل‌گیری مقاله نشان داده شده‌است.

## ۲- پرسش‌های تحقیق

مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هست که: تجربه و درک شهروندان تهرانی، در اینجا گروهی از ساکنان منطقه ۲، نسبت به ساختمان‌ها یا ترکیب ساختمان‌های این شهر، چیست؟ و از طرف دیگر برآیند مقایسه و تطابق میان مطالعات زمینه‌ای و نظری، چه مجموعه مفاهیم و معیارهایی را می‌تواند در رابطه با زیبایی‌شناسی توده‌ها و احجام ساختمانی پدید آورد؟

## ۳- فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد ترکیب‌های احجام و توده‌های ساختمانی، از نگاه شهروندان تهران (ساکنان منطقه ۲) نامطلوب و ناخوشایند باشند و بر این اساس، احتمالاً نظرات و قضاوت‌های زیباشناسانه شهروندان نیز با اصول و معیارهای نظری و ادبیات تخصصی تطابق نسبی داشته باشند.

## ۴- پیشینه تحقیق

قرن هجدهم را باید دوره سازنده زیبایی‌شناسی فلسفی مدرن قلمداد کرد، زیرا فقط از آن پس بود که مفاهیم اساسی آن شکل گرفتند، و فقط از آن پس بود که خود این رشته جدید پا گرفت. (شلی، ۲۰۰۱: ۳۱)

در واقع، کانت در قرن ۱۸ میلادی، با کاربرد واژه استتیک<sup>۲</sup> در احکام زیبایی‌شناختی در هر دو عرصه هنر و طبیعت به آن جانی تازه بخشید. دامنه این مفهوم در ادوار متاخر بار دیگر گسترده‌تر شده‌است. اکنون این واژه را نه تنها در توصیف دآوری‌ها یا ارزیابی‌ها که در مورد ویژگی‌ها، نگرش‌ها، تجربه و لذت یا ارزش نیز به کار می‌گیرند و دیگر آن را به زیبایی صرف محدود نمی‌سازند (گلدمن، ۲۰۰۱: ۱۳۵).

از طرف دیگر، منشأ زیبایی و درک زیباشناسانه غالباً بین دو قطب اصلی عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در رفت‌وآمد بوده‌است. تلاش‌های بسیاری به منظور برطرف کردن جدایی عینیت و ذهنیت توسط برخی همچون هوسرل، هایدگر و به‌خصوص نوربرگ شولتز صورت گرفته‌است تا



## ۵- روش تحقیق

برای پیشبرد پژوهش، گونه‌ای از روش پژوهش کیفی، به نام نظریه زمینه‌ای انتخاب شده‌است. نظریه زمینه‌ای، بر اساس روش استقرایی پیش می‌رود که پژوهشگر به جای آزمون نظریه‌های موجود، به تدوین و تبیین نظریه می‌پردازد. (منصوریان، ۱۳۸۶). در واقع این روش با نظریه پیشینی آغاز نمی‌شود، بلکه با زمینه مطالعاتی شروع می‌شود و پس از گردآوری داده‌ها به نظریه‌های مرتبط با این زمینه امکان پدیدارشدن می‌دهد (پویا و طباطبایی، ۱۳۹۰). روش تحقیق نظریه زمینه‌ای، روشی کیفی، و بخش عمده تحلیل آن، تفسیری است (استراوس و کربین، ۱۹۹۰: ۳۲). این تفسیر به منظور کشف مفاهیم و رابطه‌ها در داده‌های خام، و سازمان دادن آن‌ها در قالب یک طرح توضیحی نظری انجام می‌شود.

از نظریه زمینه‌ای در موارد متعددی استفاده می‌شود: (ایمان و محمدیان ۱۳۸۷)

- درک محیطی که در گذشته به طور کافی بررسی نشده یا شناخت کمتری از آن هست، یعنی زمانی که محقق نمی‌داند که چه می‌خواهد و در پی چیست و لازم است ماهیت صورت مسئله را درک و تبیین کند.

- درک پیچیدگی‌های یک پدیده در زمینه‌های متعدد، محقق به روشی نیاز دارد که بدون تغییر در زمینه و پیچیدگی‌های آن بتواند داده‌های آن پدیده را ساده و مدیریت و به نظریه تبدیل کند.

- درک فرایند و شیوه تجربه افراد مختلف، زمانی که محقق به شیوه‌هایی برای کشف و درک پیچیدگی‌های فرایند و شیوه تجربه افراد نیازمند باشد.

که پژوهش حاضر، در زمینه آخرین مورد از لیست بالا، از روش تولید نظریه زمینه‌ای برای درک تجربه شهروندان منطقه ۲ شهر تهران نسبت به ویژگی‌های زیباشناسانه بصری - کالبدی، استفاده کرده‌است.

در روش تحقیق زمینه‌ای، موضوع پژوهش کلی است و شناخت جوانب و کارکردهای پنهان موضوع مورد مطالعه در طول فرایند تحقیق آشکار می‌شود. بر این اساس، در این روش، پرسش‌ها نیز عموماً کلی و باز هستند و با این پرسش آغاز می‌شوند: «اینجا چه می‌گذرد؟»

(Chamberlain, 1995). به‌طور مثال در پژوهش منزو در سال ۲۰۰۵، درباره روش نظریه زمینه‌ای، برای کشف معنای چندگانه مکان، سؤال اصلی تحقیق برای پاسخ‌گویی به چگونگی درک و تجربه سکونت ساکنان این گونه تدوین شده‌است: «محیط مسکونی را ساکنان چگونه ادراک می‌کنند و چه معنایی دارد؟» (Manzo, 2005). پرسش‌ها در طول روند پژوهش، پالایش یافته‌تر و خاص‌تر می‌شوند. (استراوس و کربین، ۱۹۹۰).

مصاحبه در این پژوهش، با یک سوال باز و با مضمون: "محل، محل زندگی، خیابان یا کوچه شما چگونه است؟ آن را توضیح دهید و تبیین نمایید"، آغاز شده‌است، این پرسش ابتدایی، مشخص می‌کند که مصاحبه‌شونده، در جریان زندگی در محل خود، تجربه‌ای از درک بصری توده‌ها یا فرم‌های ساختمانی داشته‌است یا خیر. در ادامه و در طول مصاحبه و به فراخور متن و موارد مطروحه در هر مصاحبه، پرسش‌های دیگری، مختص محتوای آن مصاحبه، ولی در قالب مسائلی که مقاله دنبال می‌کند، مطرح شده‌است. نمونه پرسش‌های مطرح‌شده در جریان مصاحبه‌ها، عبارتند از:

- چرا وقتی در محله‌تان تردد می‌کنید احساس ... به‌شما دست می‌دهد؟ (این سوال برگرفته از این موضوع است که تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان هنگامی که محله خود را توصیف می‌کردند، حس کلی خود (مانند حس امنیت یا ناامنی و حس محصوریت یا رهاشدگی و...) را مورد تاکید قرار می‌دادند)

- ساختمان‌های محله‌تان چگونه هستند؟

- ساختمان‌های زیبا یا زشت مورد اشاره، چه ویژگی‌هایی دارند؟

همچنین در تحقیق کیفی معیار دقیقی برای تعیین حجم نمونه یا تعداد افراد مشارکت‌کننده نیست (لک، ۱۳۹۳: ۵۰). در تعیین حجم نمونه‌گیری روش نظریه زمینه‌ای، رسیدن به اشباع نظری اهمیت دارد (Troost, 1986). یعنی تا جایی که دیگر نمونه‌های جدید چیزی به مقوله‌های به دست آمده و روابط کشف شده میان آن‌ها اضافه نمی‌کند. از این رو نمونه‌گیری نیز از نوع نمونه‌گیری نظری است، یعنی تعداد مشارکت‌کنندگان بستگی به آن دارد که نظریه چه وقت قوام یابد و از عهده پیچیدگی موضوع برآید (پاکزاد و گلرخ، ۱۳۹۴: ۷۱ و ۷۲). هرچند



توده بناها برای دستیابی به زیبایی شناسی بصری در امتداد فضای مورد مطالعه این پژوهش، شامل مواردی است که در جدول ۲ و شکل ۲ نشان داده شده‌اند؛ که اعتقاد به وجود آن‌ها در نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها، توسط مصاحبه‌شوندگان مورد تایید قرار گرفت.

جدول ۱- مولفه‌ها و معیارهای موثر بر زیبایی بصری شهر. (منبع: Rezafar & Sence Turk, 2018)

معیار	مولفه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- نسبت و تناسب، ریتم</li> <li>- مقیاس، توده، حجم</li> <li>- نظم، سلسله مراتب</li> <li>- بُعد و پیوستگی</li> <li>- تنوع و غنای بصری</li> <li>- نسبت پر و خالی در طراحی نما</li> <li>- هماهنگی رنگ</li> <li>- نقوش معماری</li> <li>- هویت شهری</li> </ul>	شخصیت و هویت
<ul style="list-style-type: none"> <li>- طراحی منظر زیست‌محیطی</li> <li>- ادغام با مسیر پیاده</li> <li>- استفاده از مصالح طبیعی</li> <li>- جهت‌گیری مناسب ساختمان‌ها</li> <li>- ایجاد فضای سبز</li> </ul>	طراحی سبز [سازگار با طبیعت]
<ul style="list-style-type: none"> <li>- رابطه میان شکل ساختمان‌ها</li> <li>- رابطه میان عرصه و اعیان</li> <li>- رابطه میان هویت طرح و محیط پیرامون</li> <li>- روابط میان بافت، الگو و مصالح</li> <li>- یکپارچگی توده ساختمان‌ها</li> </ul>	ارتباط بین هویت و طراحی

جنت و نیدیش (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای میان دانشجویان معماری و غیرمعماری، بر اساس برسنج‌های قضاوت زیبایی‌شناختی بصری، به دست‌آمده از متون پیشین و مطالعات مرجع، به بررسی قضاوت زیباشناسانه و اثر بصری فرم‌های معماری پرداخته‌اند. که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که برسنج‌های به دست‌آمده از متون نظری، مورد اهمیت و توجه استفاده‌کنندگان از فضا نیز قرار می‌گیرد. برسنج‌های مذکور عبارتند از: (Jennath & Nidhish, 2016)

- شکل و هندسه؛ که محیط کلی فرم را مشخص می‌کند.
- ترکیب عناصر معمارانه؛ که پیچیدگی فرم را مشخص می‌کند.

عمدتاً در نمونه‌گیری مطالعات کیفی انتخاب چهار الی چهل مشارکت‌کننده کافی هست (Trost, 1986). در این پژوهش، نمونه‌گیری و انجام مصاحبه‌ها تا جایی پیش رفته (۵۰ نفر از ساکنان منطقه ۲ شهر تهران) که دیگر اطلاعات و موارد جدیدی به دست نیاید و معیار و مورد مشخص غیرتکراری استخراج نشود.

## ۶- مبانی نظری

در دهه‌های اخیر (از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی)، زیبایی‌شناسی در زمینه معماری و چشم‌انداز شهری تبدیل به یکی از اساسی‌ترین قضایا شده و این سوال مطرح می‌شود که آیا معماران، طراحان شهر و چشم‌انداز، قادر به حل قضیه زیبایی‌شناسی و دشواری‌های مربوط به آن‌ها هستند؟ از این زمان، برای پاسخ به قضایای زیباشناختی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ که زیبایی‌شناسی با رویکرد توجه به ترجیحات همگانی از آن جمله است (Keshtkaran et al. 2017: 94).

کشتکاران و دیگران (۲۰۱۷) عقیده دارند که شاخص‌های زیبایی‌شناختی که از ترجیحات همگانی حاصل می‌شوند، می‌توانند به طراحان شهری، طراحان چشم‌انداز و محیط‌زیست کمک کند تا الگوهایی را به دست بیاورند، زیرا این ترجیحات به طور قابل توجهی با شاخص‌های تخصصی و زیبایی‌شناسی حرفه‌ای مطابقت دارند.

(Keshtkaran et al. 2017: 94)

رضافر و سنجه تورک (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای، با استفاده از نظرسنجی در میان محققان، طراحان و مسئولان شهری، نتیجه می‌گیرند که سه مولفه: "شخصیت و هویت"، "طراحی سبز" و "ارتباط بین هویت و طراحی"، بر زیبایی‌شناسی بصری شهر در محیط‌های تازه ساخته شده اثر گذارند. مولفه‌های یادشده با معیارهایی قابل تعریف می‌شوند که در جدول ۱ نشان داده شده‌اند. (Rezafar & Sence Turk, 2018: 91)

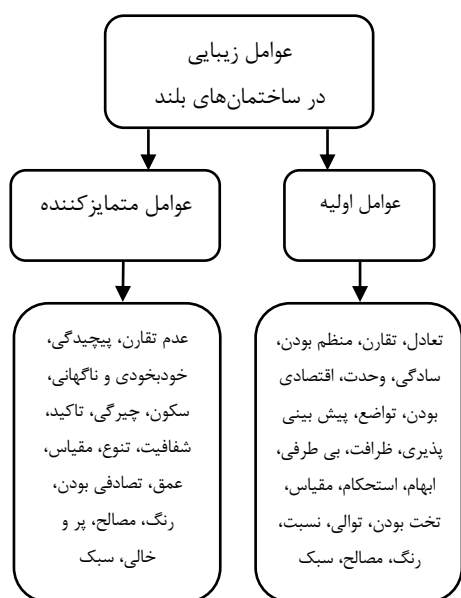
رسیانی و دیگران (۲۰۱۲) متغیرهای از پیش تعیین شده‌ای را با استفاده از روش دلفی، از استفاده‌کنندگان از فضای مورد مطالعه‌شان، مورد پرسش قرار داده‌اند و با استفاده از نتایج به دست‌آمده از تحلیل پرسش‌نامه‌ها، به طراحی نمونه مورد مطالعه خود پرداخته‌اند (Rosiani et al. 2012: 93-97).



گشودگی، درخشندگی، مکان تاریخی و تمیزی، در جذاب بودن یک مکان در ذهن استفاده کننده موثر می باشد.

(Galindo & Hidalgo, 2007)

کشتکاران و دیگران (۲۰۱۷) با توجه به بعد سائزکتیو<sup>۳</sup> یا ذهنی زیبایی شناسی، با استفاده از عوامل و معیارهای استخراج شده از نظریه ها، به کسب نظرات مردم درباره ترجیحات زیبایی شناسی در زمینه کیفیت های بصری پرداخته اند. این مطالعه با هدف کمک به طراحان در تصمیم گیری بهتر برای طراحی چشم انداز شهری انجام شده است (Keshkaran et al. 2017).



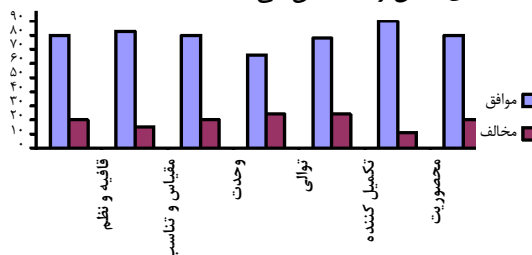
شکل ۳- شاخص های اولیه و متمایز کننده زیبایی شناسی در ساختمان های بلند. (منبع: Keshkaran et al. 2017)

آنان در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که ترجیحات زیبایی شناسی استفاده کنندگان از محیط در زمینه کیفیت های بصری، می تواند بر اساس دو سطح از شاخص های زیبایی شناسی صورت پذیرد: شاخص های اولیه و اجزای متمایز. شاخص های اولیه شامل آن هایی هستند که در زیبایی شناسی اولیه ساختمان های بلند موثر هستند به طوری که وجود این شاخص ها در ساختمان ها می تواند موجب زیبایی شناسی بصری آن ها شوند. در حالی که مولفه های متمایز، موثر و تعیین کننده در زیبایی شناسی ساختمان های بلند هستند، به گونه ای که آن ها می توانند به ناظر عینی ساختمان کمک کنند تا

- کاربرد مصالح؛ که بافت، قدمت، شخصیت ساختاری فرم را مشخص می کند.

- رنگ؛ که اثربخشی رویه نما، سطح تمیزی و تم (زمینه) موقعیت ساختمان را مشخص می کند.

- شخصیت عملکردی؛ که کیفیت عملکرد مورد انتظار فضای داخل را مشخص می کند.



شکل ۲- نتایج پرسشنامه استفاده کنندگان درباره

معیارهای سازماندهی فرم و توده ساختمان. (منبع: Rosiani et al. 2012)

جدول ۲- معیارهای سازماندهی فرم و توده ساختمان.

(منبع: Rosiani et al. 2012)

متغیرها	تعریف
وحدت	وحدت عناصر نمای ساختمان ها در طول محور خیابان
قافیه و نظم	تنوع عناصر ترکیب نما به وسیله تفاوت در اندازه ها، محل قرارگیری و فاصله
مقیاس و تناسب	نسبت بلندی و عرض ساختمان در میان ساختمان ها که به وسیله ناظر، در فاصله و سرعت مشخصی، مشاهده می شود.
توالی	چیده شدن در یک نظم مشخص
تکمیل کننده	یک انتظار مشترک از بلندی و اندازه ساختمان ها و همچنین عناصرشان، که باعث می شود ساختمان ها در طول محور خیابان تکمیل کننده یکدیگر باشند
محصوریت	نسبت عرض راه باید دو تا سه برابر بلندی ساختمان باشد تا احساس فضایی (در ظرف قرار گرفتن) ایجاد کند
نما: رنگ و جنس دیوار	مدیریت و نوع برخورد با نمای ساختمان ها در طول محور خیابان

گالیندو و هیدالگو (۲۰۰۷) در مطالعه خود، به بررسی ترجیحات زیبایی شناسی در منظرهای شهری، در قالب انتخاب مکان جذاب و غیرجذاب توسط استفاده کنندگان محیطی، پرداختند. در این مطالعه مشخص شد که پوشش گیاهی، غنای بصری، تجانس و موافقت،



با بررسی پژوهش‌ها و متون نظری توضیح داده شده، می‌توان از میان آن‌ها، معیارها و زیرمعیارهایی را مرتبط با بحث زیبایی‌شناسی توده و احجام ساختمانی، استخراج، دسته‌بندی و سطح‌بندی نمود که در قالب شکل ۵ نشان داده شده‌اند.



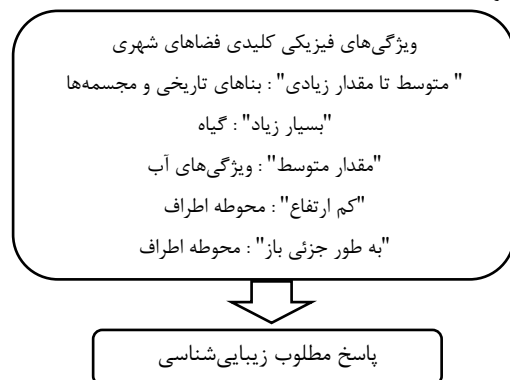
شکل ۵- معیارهای زیبایی‌شناسی کالبدی- بصری به‌دست‌آمده از مطالعات نظری. (منبع: نگارندگان)

معیارها و زیر معیارهای گفته‌شده عبارت از: پیچیدگی و غنای بصری (Keshtkaran et al. 2017)؛ Jennath & Galindo & Hidalgo, 2007؛ Nidhish, 2016)، تنوع (Rosiani et al. 2012)؛ Rezafer & Sence Turk, 2018)؛ تناسب (Rosiani et al. 2017)؛ Keshtkaran et al. 2017)؛ Rezafer & Sence Turk, 2018)؛ 93-97: al. 2012)؛ نسبت پُر و خالی در نما (Rezafer & Sence Turk, 2018)؛ نقوش معماری، سبک معماری، نقوش معماری، و ترکیب عناصر معمارانه (Keshtkaran et al. 2017)؛ Sence Turk, 2018)؛ Keshtkaran et al. 2017)؛ محصوریت و گشایش (Jennath & Nidhish, 2016)؛ Galindo & Rosiani et al. 2012)؛ همه‌انگاری رنگ و مصالح نما (Jennath & Nidhish, 2016)؛ Rosiani et al. 2017)؛ Rezafer & Sence Turk, 2018)؛ al. 2012)؛ وجود عناصر طبیعی و تاریخی (Keshtkaran et al. 2017)؛ Ferdous, 2013)؛ Rezafer & Galindo & Hidalgo, 2007

ساختمان‌ها را متفاوت از هم ببینند؛ علاوه بر این، (مطابق با شکل ۳) برخی از عوامل مانند رنگ و مواد می‌توانند، بر اساس سبک طراحی، در هر دو دسته قرار گیرند.

در مطالعه دیگری (Ferdous, 2013: 3-8) نتایج حاصل نشان می‌دهد که پاسخ زیبایی‌شناسی قطعی مربوط به ویژگی‌های خاص بصری، این امکان را می‌دهد که اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان، به گونه‌ای موثرتر در طراحی فضاهای موجود و جدید شهری به عنوان فضاهای عمومی، مورد استفاده قرار گیرند. (Ferdous, 2013: 3-8)

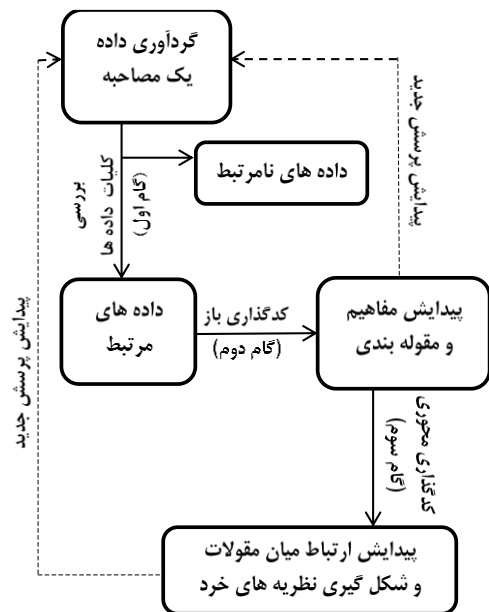
این ویژگی‌های بصری شامل باز بودن و ارتفاع محوطه اطراف، همچنین وقوع وجود آب و عناصر مربوط به آن، پوشش گیاهی، و آثار تاریخی / مجسمه‌ها هستند. بنابراین، محوطه نسبتاً باز و کم ارتفاع با مقدار متوسطی از آب، مقادیر متوسط تا زیاد آثار و مجسمه‌ها و پوشش گیاهی بسیار با پاسخ زیبایی‌شناختی ارتباط دارد (شکل ۴). برای جذابیت زیبایی‌شناسی فضاهای شهری، راه‌حل‌های طراحی‌کننده‌ای که استفاده‌کنندگان را در نظر می‌گیرد، طراحان، برای ایجاد پاسخ مطلوب زیبایی‌شناسی، نیاز دارند به ویژگی‌های طراحی فوق، توجه کنند. بر اساس تحلیل فوق، مدل مفهومی شکل زیر پیشنهاد شده‌است. این مدل ویژگی‌های بصری کلیدی فضاهای شهری را مشخص می‌کند که به شدت در ارتباط با پاسخ زیبایی‌شناختی مطلوب این مطالعه قرار دارند.



شکل ۴- ویژگی‌های کلیدی بصری فضاهای شهری طراحی‌شده برای پاسخ زیبایی‌شناسی مطلوب. (منبع: Ferdous, 2013)

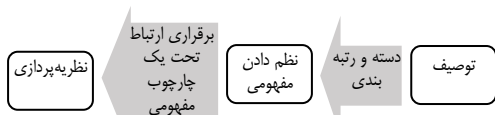


مفهوم، مقوله فرعی و مقوله اصلی، با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و هر یک جایگاه خود را پیدا کردند (گام سوم در شکل ۶).



شکل ۶- فرآیند کلی تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها. (منبع: نگارندگان)

هریک از این دسته مفاهیم و مقولات متناظر شده، در رابطه با دیگر مقوله‌ها نقشی (علی، تعاملی، و پیامدی) یافتند و مدل پارادایمی را ساختند. در شناسه‌گذاری گزینشی، نیز، مقوله‌ها، یکپارچه شدند، و مفاهیم اضافی حذف گردیدند، و مفاهیم ناقص، تکمیل شدند، و مقوله هسته‌ای پدیده شناسایی شد. به عبارت دیگر، در فرآیند تحلیلی کدگذاری‌ها، متون توصیفی مصاحبه‌ها، بر اساس مفهوم‌سازی‌های رفت و برگشتی که خود بر اساس موضوع و اهداف پژوهش صورت می‌گیرند، دسته‌بندی، رتبه‌بندی و... شدند تا در نهایت با برقراری پیوندهای مفهومی تحت یک قالب کلی، نظریه یا چارچوب‌های نظری موردنظر بدست آیند. (شکل ۷)



شکل ۷- روند شکل‌گیری نظریه بر اساس روش تئوری زمینه‌ای، (منبع: نگارندگان)

(Sence Turk, 2018)، تعادل، سکون، و مکمل بودن (Rosiani et al. 2017)؛ Keshtkaran et al. (2012)، وحدت، نظم، ریتم، و تجانس (Galindo & Rezafar & Sence Turk, 2007)؛ Hidalgo, 2007؛ Rosiani et al. 2017؛ Keshtkaran et al. 2017، 2018)، هستند.

علاوه بر معیارهای زیبایی‌شناسی بصری بدست‌آمده، نکته دیگری که در رابطه با مطالعات پیش‌گفته، به‌نظر می‌رسد، نحوه و روش مطالعه و در واقع چگونگی دست‌یابی به معیارهای مذکور است. در این مطالعات سعی شده که معیارهای زیبایی‌شناسی به‌وسیله نظرسنجی از استفاده‌کنندگان، به‌گونه‌ای که راهگشای طراحی‌ها یا اصلاحات بصری باشد، استخراج شود. این نظرسنجی‌ها و تحلیل‌ها غالباً با استفاده از روش‌های کمی یا روش‌های کیفی-کمی (مانند کیو سورت<sup>۴</sup>)، و غالباً با این روند انجام شده‌اند که معیارهای از پیش تعیین‌شده‌ای را در میان استفاده‌کنندگان از فضا، مورد پرسش قرار دهند. مقاله پیش رو نیز، در زمینه درک مطلوبیت‌های بصری، نظرات شهروندان ساکن در منطقه ۲ شهر تهران را اساس به‌دست‌آوردن معیارهای مربوطه نموده‌است؛ با این تفاوت که این امر، با استفاده از روش کیفی (تئوری زمینه‌ای) و بر مبنای مصاحبه عمیق، صورت پذیرفته‌است.

## ۷- مطالعات و بررسی‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌ها، فرآیند تحلیل برای هر کدام از مصاحبه‌ها به‌صورت جداگانه صورت گرفته‌است. در فرآیند مذکور، جملات مصاحبه‌شونده، مورد کاوش و تفسیر قرار گرفته و سعی شده‌است مفاهیمی از متن مصاحبه استخراج شود تا پژوهش بتواند در مسیر مفهوم‌سازی و انتزاعی کردن داده‌های بدست‌آمده، به‌پیش رود (گام اول در شکل ۶). بدین‌صورت که به‌وسیله شناسه‌گذاری باز، بخش‌هایی از توصیف شرکت‌کنندگان، که متناسب با پرسش‌های پژوهش معنادار بوده‌اند، به هر دو شیوه سطر به سطر و پاراگرافی مورد تحلیل قرار گرفت و مفاهیم نظری آن‌ها استخراج شد. پس از آن، مفاهیم به‌دست‌آمده بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی دسته‌بندی شدند (گام دوم در شکل ۶). سپس در روند شناسه‌گذاری محوری، مفاهیم دسته‌بندی شده، در نقش





باشند؛ همچنین توجه شده است که مصاحبه شوندگان، دانش آموخته رشته های معماری و شهرسازی نباشند تا بر اساس معلومات دانشگاهی و نظری به سوالات پاسخ ندهند. مصاحبه شوندگان دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر بوده اند.



شکل ۹- موقعیت محدوده های انجام مطالعات میدانی در نقشه

منطقه ۲ شهر تهران، (منبع نقشه پایه:

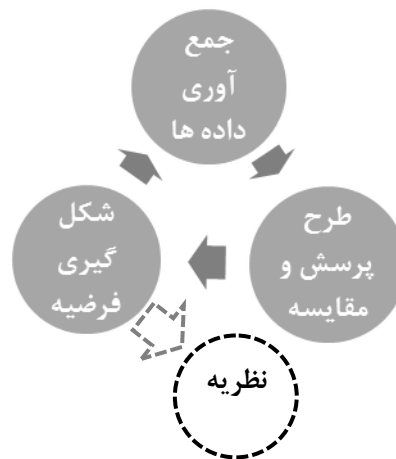
<https://avval.ir/free-map/> در تاریخ

(۸/۳۱/۲۰۲۰)

### ۸- یافته های تحقیق

با توجه به مطالعات میدانی، نمونه ای از چگونگی تشکیل مفاهیم و مقوله های فرعی و اصلی متناظر با هم، که بر

پس از تحلیل داده های مصاحبه شوندگان، در صورت نیاز و به وجود آمدن پرسش های جدید، دوباره به او مراجعه کرده، و از طریق حضوری یا مجازی، پرسش های جدید مطرح گشته اند (شکل ۶). در واقع، تحلیل با نخستین مصاحبه آغاز شده و به مصاحبه و مشاهده بعدی منجر گشته است. در این روش، گردآوری داده ها را تحلیل هدایت می کند. از این رو، تعامل دائمی میان پژوهشگر و عمل پژوهش در جریان پژوهش برقرار می ماند. (شکل ۸)



شکل ۸- نحوه شکل گیری نظریه در روش تحقیق زمینه ای. (منبع: نگارندگان)

این مقاله، نتایج آزمون اولیه روش تحقیق و روانی آن را پیش رو می گذارد. مقاله براین باور است که داده های به دست آمده از جامعه آماری انتخاب شده می تواند پرسش های آغازین برای آزمون گسترده در مقیاس منطقه را فراهم آورد. از این سبب داده های آغازین بر اساس مصاحبه با ۵۰ نفر از ساکنان منطقه ۲ شهر تهران (کفایت تعداد مصاحبه ها با تکرار شدن مفاهیم مورد اشاره مصاحبه شوندگان پدیدار می شود؛ که اشباع نظری در این مقاله با مصاحبه با ۵۰ نفر، به وقوع پیوست) شکل گرفته است.

از ۵۰ نفر مورد اشاره، ۲۰ نفر از بافت های شطرنجی محدوده گیشا، سعادت آباد و...، ۱۴ نفر از بافت ارگانیک محله طرشت و...، و ۱۶ نفر از بافت میانی محله شادمان و... بوده اند (شکل ۹). مصاحبه شوندگان از میان کسانی انتخاب شده اند که حداقل ده سال در آن جا زندگی کرده تا به اندازه کافی با محیط زندگی خود ارتباط برقرار کرده-



اساس تفسیر متن مصاحبه‌ها شکل گرفته‌اند، در جدول ۳ ارائه شده‌است.

جدول ۳- ساختار ارتباط مفهومی میان مقوله اصلی "نامتناسب بودن اندازه ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر و فضاهای مجاور"، مقولات فرعی و مفاهیم برآمده از مصاحبه‌ها. (منبع: نگارندگان)

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
این است که از لحاظ بصری آزار می‌دهد، که شما بیهوشی یک برج ۴۰-۵۰ طبقه می‌بینید، در حالی که در اطراف آن تمام ساختمان‌ها سه طبقه هستند، این باعث آزار می‌شود/ کنارش هم یک سری ساختمان‌های ۴ طبقه بلند جدیدتر وجود داشت و چون ارتفاعشان عموماً همین ۴-۵ طبقه بود، این‌ها هم یک هماهنگی با هم داشتند/	عدم تطابق مقیاس ساختمان‌های همجوار	مقوله اصلی
ساختمان ۴ طبقه در کوچه تنگ/ ساختمان‌های تجمع‌شده در کوچه-های باریک/ اگر خانه‌های نوساز عقب‌نشینی هم کنند، خیلی تأثیری ندارد، چون کوچه‌های‌اش هم تنگ است، باریک است/ عرض خیابان، با این چیزها نمی‌خواند/	عدم تطابق مقیاس و تناسب توده نسبت به فضا	نامتناسب بودن اندازه ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر و فضاهای مجاور (نظام تناسبات)
قطعات کوچک تجمیع کردند، در زمین‌های متراژ بالا (۴۰۰-۵۰۰ مترمربع) ۲۰ واحد به بالا ساختند/ یک عالمه واحد در زمین‌های بزرگ قدیمی/ ویلایی الان کمتر شده/ ساختمان‌های قدیمی یک واحدی درون باغ‌های بزرگ، دارند کم‌کم تبدیل می‌شوند به مجتمع‌های مسکونی پروا و وسیع/ ساختمان‌ها خیلی پُر طبقه‌اند، مجتمع‌اند چون در زمین‌های بزرگ ساخته می‌شوند/ این محله قدیم‌ها پر باغ بود ولی الان به خاطر ساخت‌وساز، مسکونی شده/ ساخت‌وسازهای اخیر که شده، خیلی بزرگتر از قبلی است/ همه تکه تکه تفکیک شد و در آن‌ها آپارتمان‌سازی‌های حداقل ۴ و ۵ و ۷ طبقه شد/ از نظر شکل ساختمان‌ها، هایی که در خیابان ما هست، اکثراً به صورت آپارتمان‌های بالای ۶ طبقه است، چون آن‌هایی که جدید ساخته شده، معمولاً ۳ تا ۴ خانه کنار هم تجمیع شده/	میل به حجیم و بزرگ‌سازی ساختمان‌ها (مقایسه تناسب ساختمان با مقیاس انسانی)	نامتناسب بودن اندازه ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر و فضاهای مجاور (نظام تناسبات)

در این نمونه، مقوله اصلی "نامتناسب بودن اندازه ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر و فضاهای مجاور"، انتخاب، و ساختار ارتباطی آن، با مقولات فرعی و مفاهیم مرتبط، که همگی برگرفته از مصاحبه‌ها هستند، به صورت یک مجموعه، در جدول ۳ نشان داده شده‌است. دیگر مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی و مفاهیم مرتبط با آن‌ها نیز، که در ادامه و در جداول بعدی ارائه می‌شوند بر اساس همین ساختار، بدست آمده‌اند.

مطابق با توضیحات بالا، دیگر مقولات اصلی پژوهش، شامل موارد زیر هستند، که در جدول ۴، در ارتباط با مقوله‌های فرعی متناظر با خود، تبیین شده‌اند. در این جدول، مفاهیم متناظر با مقوله‌ها، که برگرفته از متن مصاحبه‌ها هستند، به دلیل طولانی شدن جدول و محدودیت ساختار مقاله، آورده نشده و به ارائه مقولات فرعی و اصلی و نوع مقوله‌ها، بسنده شده‌است.

مقولات اصلی بدست آمده از تفسیر متن مصاحبه‌ها، عبارتند از:

مقوله‌های علی / شرایطی:

- مدیریت شهری سوداگرا
- سرگردانی میان حفاظت تا تغییر بافت شهری
- ناپایداری خواسته‌ها و شرایط ساکنان مقوله‌های تعاملی:
- ناهماهنگی بصری توده‌های ساختمانی
- ترکیب نامتعادل توده‌های ساختمانی با فضاهای همجوار
- نامتناسب بودن اندازه ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر و فضاهای مجاور
- علاقه به الگوی ساختمان‌های کم‌تراکم و کم‌ارتفاع
- تمایل به نسبت‌های فضایی گشوده‌تر و وسیع‌تر
- آرزوی مکان کم‌جمعیت‌تر یا عدم تطابق فضا و جمعیت ساکن
- مقوله‌های پیامدی:

- فراموش شدن زمان حال محیط زندگی

- قطع ارتباط با محیط زندگی

همانطور که مشخص است، مقوله‌های اصلی بدست آمده، در قالب انواع یا نقش‌های خود (علی / شرایطی، تعاملی، پیامدی) دسته‌بندی شده‌اند. دسته‌بندی مذکور در جدول ۴



نوع مقوله	مقوله اصلی	مقوله فرعی
	فضاهای همجوار (نظام چیدمان)	نظام تعریف نشده استقرار ساختمان‌ها
		عدم تطابق مقیاس ساختمان‌های همجوار
		عدم تطابق مقیاس و تناسب توده نسبت به فضا
پیامدی	فراموش شدن زمان حال محیط زندگی	میل به حجیم و بزرگ‌سازی ساختمان‌ها (مقایسه تناسب ساختمان با مقیاس انسانی)
		مخدوش شدن خاطرات و دلنگی برای سیمای گذشته نگرانی از آینده و عدم وجود آرامش خاطر
		حس بی تفاوتی نسبت به محیط زندگی اندیشه مهاجرت
پیامدی	قطع ارتباط با محیط زندگی	

نیز نشان داده شده‌است. همچنین شش مقوله بدست‌آمده در قالب مقوله‌های تعاملی، برای آسان‌تر شدن فرآیند شکل‌گیری مقوله هسته‌ای، در جدول مذکور تحت عنوان دو مقوله اصلی تر "بی‌نظمی‌ها و بدترکیبی‌های بصری" و "کمبود فضای باز و ازدیاد تراکم‌ها" دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۴- فرآیند شکل‌گیری مقوله‌های برآمده از متن مصاحبه‌ها. (منبع: نگارندگان)

نوع مقوله	مقوله اصلی	مقوله فرعی
علی	مدیریت شهری سوداگر	عدم تعهد و وجود فساد در ارگان ناظر (شهرداری)
		عدم توجه به منافع همگانی
		نبود قاعده مشخص برنامه‌ریزی شهری
علی	سرگردانی میان حفاظت تا تغییر بافت شهری	تمایل به نو شدن تمایل به حفظ گذشته
علی	ناپایداری خواسته‌ها و شرایط ساکنان	اتومبیل محوری
		مهاجرت ساکنان قدیمی
		نیاز به تغییرات
		لوکس‌گرایی به عنوان یک ارزش
تعاملی	کمبود فضای باز و تراکم‌ها	ناخوشایندی تراکم و ارتفاع زیاد ساختمان و علاقه به ارتفاع کم برای ساختمان
		علاقه به الگوی ساختمان‌های کم‌تراکم و کم-ارتفاع
		خانه‌های ویلایی
	تراکم‌ها	خوشایندی گشودگی و دلبری فضاها
		اذیت‌کنندگی تودرتویی و فشردگی فضا
		ناخوشایندی فشار تراکم زیاد جمعیت
تعاملی	بی‌نظمی‌ها و بدترکیبی‌های بصری	علاقه به الگوی جمعیت تراکم کم
		تنوع شکلی و ظاهری ساختمان‌ها
		بی‌ارتباطی شکلی میان ساختمان‌های همجوار
تعاملی	ترکیب نامتعادل توده‌های ساختمانی با	عدم انتظام فضایی/ پلاتکلیفی فضای میان توده‌ها

برای واضح‌تر شدن بحث، برخی از مقولات به دست‌آمده از صحبت‌ها و نظرات مصاحبه‌شوندگان، به صورت تشریحی توضیح داده می‌شوند:

❖ مدیریت شهری سوداگرا (مقوله علی)

مصاحبه‌شوندگان عقیده دارند که شهرداری به عنوان نهاد ناظر بر ساختمان‌سازی و صادرکننده جواز ساخت، با همگان به یک‌گونه برخورد نمی‌کند و در تصمیمات خود سلیقه‌ای عمل می‌نماید: «در جواز دادن خیلی اذیت می‌کنند ولی اگر کسی را آن جا بشناسی، به راحتی می‌توانی حق را ناحق کنی» یا «قانون هست، ولی پول تعیین می‌کند که شما می‌توانید بروید تاییدیه نما را بگیرید». همچنین آن‌ها بر این باورند که مدیریت شهری، عملاً توجه ای به منافع همگانی ندارد و شهر را همچون یک کالا نگاه می‌کند. برای مثال این‌طور بیان می‌کنند: «الان دارند به آدم‌ها هوا می‌فروشند، یعنی وقتی که اجازه ۵ طبقه و ۶ طبقه می‌دهند، آن ۴ طبقه بالا در هوا دارند زندگی می‌کنند» یا «ساخت‌وسازها به نظر من خیلی بدون توجه به آرامش و فضاهای شهری است».



❖ ناهماهنگی بصری توده‌های ساختمانی (مقوله تعاملی)

نظر بیشتر مصاحبه‌شوندگان بر این است که ساختمان‌های شهر هر کدام به یک شکل طراحی شده‌اند و ناهماهنگی ایجاد کرده‌اند، به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که آن‌ها بر این باورند که در شکل‌گیری ساختمان‌ها از اصول و قاعده مشخصی که نشان‌دهنده وحدت و نظم باشد، استفاده نشده است. این ناهماهنگی‌ها باعث ایجاد عدم آرامش و تنش می‌شود. برای مثال می‌گویند: «این‌ها شباهت با همدیگر ندارند، یعنی ساختمان‌ها با همدیگر نمای‌شان فرق دارد، هیچ‌گونه هماهنگی‌ای با هم ندارند» یا «هیچ چارچوب و نظام مشخصی برای ساخت تعریف نشده، مثلاً شما در یک منطقه می‌توانید در کنار هم نماهای مختلف را ببینید».

❖ تمایل به نسبت‌های فضایی گشوده‌تر و وسیع‌تر (مقوله تعاملی)

مصاحبه‌شوندگان در ضمن صحبت‌های خود، دائماً به گشودگی فضای حیاط‌ها و بزرگی قطعات گذشته نسبت به زمان حال اشاره می‌کنند: «ارتفاع زیادی نداشت، دورش هم محوطه باز بود، برای همین کلا فضاهای خیلی بازی بود» یا «قطعات شمالی این ویلایی‌ها، یک حیاط سرسبز و خیلی بزرگی داشتند». اما در مقابل، مصاحبه‌شوندگان گشودگی و عرض خیابان‌ها و کوچه‌ها و فضای بین ساختمان‌های کنونی را بسیار دلپذیرتر از فشردگی بافت‌های شهری گذشته می‌دانند. آن‌ها نظرات خود را با چنین جملاتی ابراز کرده‌اند: «این که عرض زیاد است به نظرم اتفاق مثبت و خوشایندی است این که آدم اطمینان دارد همیشه حرکت در جریان هست و مختل نمی‌شود به این راحتی‌ها»، «به نظر من کوچه عریض خیلی بهتر است، یکی از دلایلی که با کوچه عریض موافقم، مخصوصاً برای ورود و خروج به پارکینگ خانه‌ها»، «پیاپی که خیلی باریک است، به همین دلیل رفت و آمد سخت است» و «محصور شدیم بین آپارتمان‌ها».

❖ نامتناسب بودن اندازه ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر و فضاهای مجاور (مقوله تعاملی)

در ارتباط با این مقوله، توجه به مفاهیمی همچون: عدم تطابق مقیاس ساختمان‌های همجوار، عدم تطابق

مقیاس و تناسب توده نسبت به فضا، و میل به حجیم و بزرگ‌سازی ساختمان‌ها، از متن مصاحبه‌ها قابل استنباط است. آن‌ها منظور خود را با اظهار: «یک برج ۴۰-۵۰ طبقه می‌بینید، در حالی که در اطراف آن تمام ساختمان‌ها سه طبقه هستند»، «وجود ساختمان ۴ طبقه در کوچه تنگ یا وجود ساختمان‌های تجمیع‌شده در کوچه‌های باریک»، «همه ساختمان‌های قدیمی یک واحدی که در باغ‌های بزرگ بودند را دارند کم‌کم تبدیل می‌کنند به مجتمع‌های مسکونی خیلی پرواخذ و وسیع» و «ساخت-وسازهای اخیر که شده، خیلی بزرگتر از قبلی است»، بیان کرده‌اند.

❖ فراموش شدن زمان حال محیط زندگی (مقوله پیامدی)

از بین رفتن یکباره بعضی ساختمان‌ها و نیز به تبع آن، تغییر منظر بافت شهری در طول زمان، مصاحبه‌شوندگان را دچار نگرانی برای آینده و دل‌تنگی برای گذشته می‌کند. آن‌ها می‌گویند که: «یکباره همه این سقف‌های شیروانی یا اکثرشان خراب شدند»، «خیلی دلم تنگ می‌شود برای آن حالتی که قبلاً داشت»، «این به مرور زمان باعث می‌شود که حتی ما آسیب‌های روحی هم ببینیم»، و «دائم نگران آینده این محله می‌شوم».

بر اساس توضیحات و جداول بالا، در بستر مدیریت شهری غیرمسئولانه، سرگردانی خواسته‌های ساکنان میان نو و گذشته، و تغییر شرایط و مطالبات در طول زمان، که این موضوعات در جدول‌های بالا با مقوله‌های علی/شرایطی: "مدیریت شهری سوداگرا"، "سرگردانی میان حفاظت تا تغییر بافت شهری"، "ناپایداری خواسته‌ها و شرایط ساکنان"، نشان داده شده‌اند، شاید بتوان گفت که ساکنان منطقه ۲ شهرداری تهران، در ارتباط با زیبایی‌شناسی بصری محیط زندگی خود، به وجود "بی‌نظمی‌ها و بدترکیبی‌های بصری" و "کمبود فضای باز و ازدیاد تراکم‌ها" باور دارند؛ به عبارت دیگر با به‌دست‌آمدن شش مقوله تعاملی (جدول ۴) از میان متن مصاحبه‌ها، چارچوب درک و تجربه ساکنان موردنظر در ارتباط با موضوع پژوهش، در قالب دو مقوله اصلی یاد-شده، که یکی مربوط به ترکیب‌های شکلی و فرمی است (بی‌نظمی‌ها و بدترکیبی‌ها بصری) و دیگری مربوط به



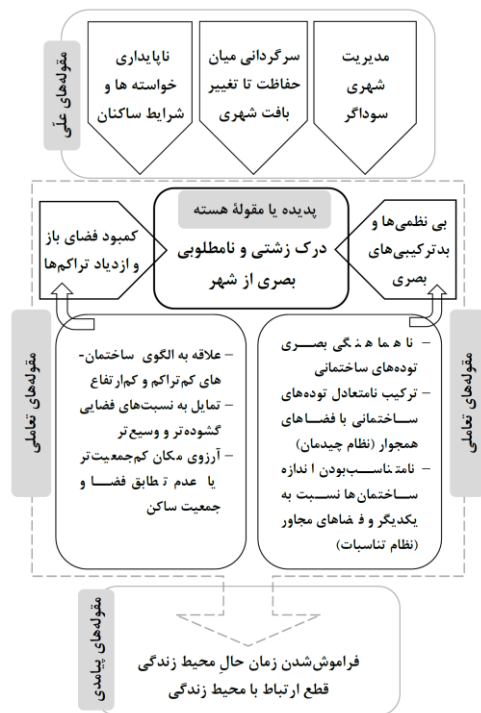
از دید تراکم‌ها"، نقش مقوله‌های تعاملی را در این تجربه بازی می‌کنند؛ مقوله‌هایی که ساکنان برای درک تجربه خود از مکان زندگی، به کار می‌گیرند. و در نهایت، پیامد شکل‌گیری این تعاملات و فرایندها، یا همان پدیده کلی (درک نامطلوبی بصری از شهر)، در ارتباط ضعیف صاحب‌شوندگان با محیط زندگی خود، پدیدار می‌شود. حس "فراموشی زمان حال در میان حسرت گذشته و نگرانی آینده" و "قطع ارتباط با محیط زندگی" به دلیل اندیشه برای مهاجرت و بی‌تفاوتی نسبت به محیط زندگی، از پیامدهای این تجربه هستند.

ترکیب توده‌ها و فضاهاست (کمبود فضای باز و ازدیاد تراکم‌ها)، مورد دسته‌بندی قرار می‌گیرد. از طرفی از مصاحبه‌ها چنین بر می‌آید که تعاملات و فرایندهای تجربه‌شده توسط ساکنان، منجر به بروز پیامدهایی چون "فراموش شدن زمان حال محیط زندگی" و "قطع ارتباط با محیط زندگی" برای آن‌ها شده‌است؛ مقوله‌های فرعی چون: مخدوش شدن خاطرات و دل‌تنگی برای سیمای گذشته، نگرانی از آینده و عدم وجود آرامش خاطر، حس بی‌تفاوتی نسبت به محیط زندگی، و اندیشه مهاجرت، راهنمای شکل‌گیری دو پیامد اصلی ذکر شده، در این پژوهش بوده‌اند.

### ۹- نتیجه تحقیق

با جمع‌بندی محتوای مفهومی مجموعه مقوله‌های بدست آمده، به نظر می‌آید درک و تجربه ساکنان منطقه ۲ شهر تهران، از وجه زیباشناسانه محیط زندگی خود به- لحاظ بصری، زشت و نامطلوب است. این تفسیر را می- توان به مقوله‌های تعاملی اشاره‌شده (جدول ۴)، نسبت داد. چنین درک و تجربه‌ای ناشی از مقوله‌های علی/شرایطی گفته شده‌است و در بستر آن‌ها به‌وقوع می- پیوندد؛ شرایطی که در پژوهش حاضر، حسی از عدم اطمینان و ناپایداری را در ارتباط با اتفاقات آینده برای ساکنان این منطقه به‌همراه دارد. و نیز چنین درک و تجربه‌ای، پیامدهایی را نیز به‌دنبال دارد؛ پیامدهایی که رابطه ساکنان با محیط زندگی خود را دچار ضعف می- کند. بنابراین می‌توان مفهوم کلی "درک نامطلوبی بصری از شهر"، را به‌عنوان پدیده هسته‌ای این پژوهش در نظر گرفت.

آن چه باعث یا علت یا بستر شکل‌گیری این تجربه شده است، تصور وجود "مدیریت شهری سوداگرا"، "سرگردانی میان حفاظت تا تغییر بافت شهری"، "ناپایداری خواسته‌ها و شرایط ساکنان"، می‌باشد؛ به- عبارت دیگر، این موارد، شرایط علی و زمینه‌ساز شکل-گیری این تجربه هستند. به دنبال آن، ساکنان در فهم و درک وضعیت موجود، فرایندهایی را در ذهن خود نظم می‌دهند که توضیح‌دهنده آن حس کلی، "درک نامطلوبی بصری از شهر"، شود. دو مقوله اصلی تر "بی-نظمی‌ها و بدترکیبی‌های بصری" و "کمبود فضای باز و



شکل ۱۰- چگونگی درک زیبایی‌شناسی بصری ساکنان منطقه ۲ شهر تهران از احجام و توده‌های ساختمانی. (منبع: نگارندگان)

بنابراین می‌توان در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش، توضیحات ارائه‌شده در این بخش و چگونگی نحوه شکل‌گیری پدیده هسته و دیگر مفاهیم و مقوله‌های به- دست‌آمده را در قالب شکل ۱۰ به‌نمایش گذاشت. "درک نامطلوبی بصری از شهر" به‌عنوان پدیده هسته این مطالعه، در جریان تعاملات ذهنی ساکنان منطقه ۲ شهر تهران، در ارتباط با شش مقوله تعاملی (متناظر شده با دو



شکل گیری توده و احجام ساختمانی منطقه ۲ شهر تهران هستند.

جدول ۵- تطابق نتایج برآمده از مبانی نظری و مطالعات زمینه‌ای. (منبع: نگارندگان)

نتایج برآمده از مطالعات زمینه‌ای		اصول و معیارهای برآمده از مطالعات نظری	
نامتناسب بودن اندازه ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر و فضاهای مجاور (نظام تناسب)	عدم تطابق مقیاس ساختمان‌های همجوار	مقیاس و تناسب	
	عدم تطابق مقیاس و تناسب توده نسبت به فضا		
	میل به حجیم و بزرگ‌سازی ساختمان‌ها (مقایسه تناسب ساختمان با مقیاس انسانی)		
علاقه به الگوهای ساختمان‌های کم ارتفاع و کم تراکم	ناخوشایندی تراکم و ارتفاع زیاد ساختمان و علاقه به ارتفاع کم برای ساختمان‌های ویلایی	کم ارتفاعی	محصورت
	خوشایندی گشودگی و دل‌بازی فضاها		
تمایل به نسبت‌های فضایی گشوده-تر و وسیع‌تر	اذیت‌کنندگی تودرتویی و فشردگی فضا	بازبودن و گشایش	
	تنوع شکلی و ظاهری ساختمان‌ها		
ناهماهنگی بصری توده‌های ساختمانی	بی‌ارتباطی شکلی میان ساختمان‌های همجوار	پیچیدگی	وحدت
	عدم انتظام فضایی/ بلا تکلیفی فضای میان توده‌ها		
ترکیب نامتعادل توده‌های ساختمانی با فضاهای همجوار (نظام چیدمان)	نظام تعریف نشده استقرار ساختمان‌ها	تعادل	
	رنگ و مصالح		
			سبک
			وجود عناصر طبیعی و تاریخی

مقوله اصلی تعاملی)، به خود شکل می‌گیرد. این شکل-گیری در بستر سه مقوله علی/شرایطی (قسمت بالایی شکل ۱۰)، و با دو پیامدهای اصلی (قسمت پایینی شکل ۱۰) دنبال می‌شود.

همچنین مقایسه‌های تطبیقی میان نتایج برآمده از مطالعات میدانی و مطالعات نظری پژوهش (جدول ۵)، نشان می‌دهد که برخی از معیارهای به‌دست‌آمده از مطالعات نظری (رنگ و مصالح، سبک، وجود عناصر طبیعی و وجود عناصر تاریخی)، در میان نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های ساکنان منطقه ۲ شهر تهران دیده نمی‌شوند و برخی دیگر با نتایج مذکور مطابقت دارند. البته لازم به ذکر است که به‌استثناء مورد "سبک"، بقیه موارد (رنگ و مصالح، وجود عناصر طبیعی و وجود عناصر تاریخی) در صحبت‌های ساکنان منطقه مذکور، مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ اما به دلیل پراکندگی مباحث مطرح شده و همه شمول نبودن آن‌ها، به‌عنوان مقوله‌های کلی و جامعی که بتوانند نقش معیار را به‌خود بگیرند، در این مقاله مورد توجه قرار نگرفته‌اند. همچنین در جدول ۵، تنها مقوله‌های تعاملی برآمده از مطالعات زمینه‌ای، با معیارهای مطالعات نظری، متناظر شده‌اند؛ لذا مقوله‌های علی/شرایطی و مقوله‌های پیامدی در جدول ذکر نگردیده‌اند. بر اساس مقایسه تطبیقی که میان نتایج مطالعات نظری و مطالعات زمینه‌ای/میدانی انجام شده است، می‌توان پاسخ پرسش دوم پژوهش را مطابق با شکل ۱۱ نشان داد.

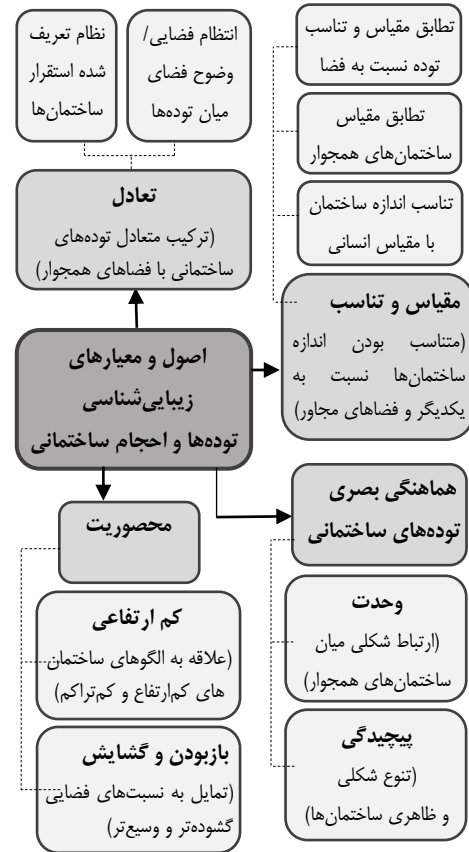
نکته حائز اهمیت در مقایسه‌ای که از طریق جدول ۵ می‌توان انجام داد، مشترک بودن مفاهیمی است که مورد توجه توأمان مطالعات نظری و زمینه‌ای قرار گرفته‌اند. مفاهیم مورد اشاره هر دو دسته، بسیار به هم نزدیک بوده و تقریباً یکدیگر را پوشش داده‌اند. اما با توجه به عبارات اشاره شده در جدول، آن‌چه در منطقه ۲ شهر تهران اتفاق افتاده، در واقع عکس آن چیزی است که مطلوب شمرده شده‌است. به عبارت دیگر، در حالی که اصول و معیارهای برآمده از مطالعات نظری برای رسیدن به یک ترکیب کالبدی-بصری مطلوب در نظر گرفته شده‌اند، نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات زمینه‌ای، نشان‌دهنده عدم وجود و توجه به معیارهای زیبایی‌شناسی کالبدی در



مسکن باشد. مولفه‌های مذکور، در نبود یا کمبود کنترل-های قانونی مناسب و خلأهای آموزش‌های اصولی در ارتباط با معماری و شهرسازی زمینه‌گرایانه، می‌تواند نقش بسیار موثری بر ترکیب بصری شهر داشته باشد و باعث ایجاد فاصله زیادی میان وضعیت مطلوب و موجود، از منظر زیبایی‌شناسی کالبدی-بصری در احجام ساختمانی شهر شود.

بنابراین برای تغییر یا کاهش "درک نامطلوبی بصری از شهر" به عنوان پدیده یا مقوله هسته‌ای، می‌توان اقداماتی را در قالب یک چارچوب اولیه برای شکل‌گیری توده‌ها و احجام ساختمانی بر مبنای زیبایی‌شناسی بصری، برآمده از توجه توأمان به مبانی نظری و به ویژه مطالعات زمینه‌ای انجام شده در این مقاله، ارائه نمود:

- ❖ تلاش برای شکل‌گیری ارکان و اجزای مدیریت شهری کارآ و موثر در رابطه با زیبایی شناسی بصری ساختمان های شهر
- کاهش بی‌تعهدی و نگاه خودمحورانه در جایگاه تصمیم‌گیری برای شهر
- آموزش و پرورش نیروهای متخصص و متعهد در جهت نهادینه شدن ارزش‌های بصری و کالبدی در حیطه معماری و شهرسازی
- افزایش توجه، درک، و احترام نسبت به ارزش‌ها و سرمایه‌های کالبدی و زیباشناسانه بصری ساختمان‌ها و بافت‌های شهری در میان شهروندان
- توجه به بعد روانی و اجتماعی شهر
- تعریف ارتفاع و تراکم ساختمان‌ها مطابق با ظرفیت جمعیتی و آسایش روانی ساکنان
- بازتعریف و بازنگری در حجم اختصاص کاربری‌ها به کاربری تجاری در مناطق مختلف
- لحاظ کردن ویژگی‌ها و نیازهای روان‌شناختی شهروندان در تهیه طرح‌های شهری
- برقراری تعادل میان سود و هزینه‌های صرفاً مالی-اقتصادی و سود و هزینه‌های روانی و اجتماعی شهروندان
- تعریف قواعد و اصول طراحی و برنامه‌ریزی شهری مطابق با ویژگی‌های گوناگون مناطق مختلف



شکل ۱۱- برآیند اصول و معیارهای مطالعات نظری و زمینه-ای در ارتباط با زیبایی‌شناسی احجام و توده‌های ساختمانی. (منبع: نگارندگان)

مورد اشاره شده، می‌تواند ناشی از این موضوع باشد که طراحان یا سازندگان ساختمان‌ها نه تنها متفاوت از صاحب‌نظران زیبایی‌شناسی به ساختمان نگاه می‌کنند، بلکه مسیری تقریباً مخالف را نسبت به معیارهای نظری در پیش گرفته‌اند؛ که بر این اساس، درک و برداشت ساکنان و استفاده‌کنندگان محیطی، بازتاب زشتی و نامطلوبی بصری شده‌است. تفاوت نگاه این دو دسته، می‌تواند تاییدی بر وجود و اثرگذاری نیروهای بیرونی موثر بر جریان شکل‌گیری توده‌های ساختمانی باشد. در این زمینه، بهای زمین و مولفه‌های وابسته به آن، از اصلی‌ترین موارد اثرگذار بر نوع طراحی ظاهر و عرضه ساختمان‌ها است. علاوه بر این، نوع انتخاب، رویکرد و سلیقه طراحان، مجریان یا سازندگان ساختمانی نیز، خود می‌تواند یکی دیگر از مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری قضاوت‌های زیباشناسانه و تحت تاثیر اقتصاد زمین و



- تدوین ضوابط و مقررات بصری و کالبدی برای منطقه و زیرمنطقه های مربوطه
  - تدوین ضوابط و مقررات تراکم و کاربری زمین برای منطقه و زیرمنطقه های مربوطه
  - بازنگری در قوانین تصرف و تعریف تصرف های قانونی و با پشتوانه منفعت همگانی
  - ❖ توجه به مفهوم توسعه و حفاظت توامان در رابطه با زیبایی شناسی بصری ساختمان های شهر
  - حفاظت از ارزش ها و الگوهای زیباشناسانه بافت های شهری موجود
  - در نظر گرفتن تسهیلات تشویقی برای مرمت کردن و احیاء بناهای قدیمی و واجد ارزش
  - تعریف قواعد و توجه به نحوه جای گیری بناهای جدید در جوار بناهای قدیمی تر
  - پذیرش لزوم توسعه و به روزآوری بافت های شهری و ساختمان ها
  - لزوم توجه به انعطاف پذیری در طراحی و ترکیب ساختمان ها
  - تدوین قواعد شکل گیری ظاهر و فرم ساختمان ها با لحاظ کردن نظر شهروندان
  - ایجاد جذابیت و کارایی مطابق با ویژگی های مربوطه در بافت های قدیمی شهری برای مقابله با مهاجرت ساکنان و تشویق آن ها به ماندن
  - ❖ تدوین اصول و قواعد زیبایی شناسی بصری ساختمان ها و ترکیب آن ها
  - تعریف نظام هماهنگ کننده و ارتباط دهنده ساختمان ها در کنار یکدیگر
  - مشخص نمودن شاخص های ارتباط شکلی و ظاهری میان ارکان نمای ساختمان ها
  - ایجاد تنوع و تفاوت ها در طراحی جزئیات ساختمان های همجوار
  - تعریف نظام چیدمان و ترکیب توده های ساختمانی با فضاهای همجوار
  - مشخص نمودن نحوه ترکیب توده ها و فضاهای شهری در مناطق مختلف شهر
  - تعریف نحوه استقرار ساختمان ها در کنار یکدیگر به لحاظ ارتفاعی و ردیفی
  - تعریف نظام تناسبات ساختمان ها در ارتباط با یکدیگر و فضاهای مجاور
  - توجه به همخوانی اندازه ها و مقیاس ساختمان های مجاور یکدیگر
  - توجه به همخوانی اندازه ها و مقیاس ساختمان ها و فضاهای میانی آن ها
  - توجه به همخوانی توده ها و فضاهای شکل گرفته با اندازه و ابعاد انسان
  - ❖ توجه به نسبت تراکم های ساختمانی / جمعیتی و فضاهای باز
  - توجه به بعد ارتفاعی متناسب با ویژگی های مناطق مختلف شهر
  - تعریف تراکم و ارتفاع ساختمان ها متناسب با ظرفیت روانی استفاده کنندگان
  - در نظرگیری برخی مناطق با حداقل ارتفاع و تراکم ساختمان و حداکثر فضای باز (الگوهای ویلایی)
  - تعریف نسبت های فضایی (نسبت توده به فضای میانی)
  - بازنگری در نسبت های فضایی (نسبت توده به فضای میانی) و حرکت به طرف نسبت های گشوده تر
  - بازنگری در نسبت های فضای پر و خالی قطعات شهری (الگوی عام ۶۰ به ۴۰ درصد)
  - مشخص نمودن میزان ظرفیت پذیری ساختمانی / جمعیتی مناطق برای تطابق با فضاهای باز موجود
  - تعریف حجم جمعیت قابل تحمل یک منطقه بر اساس میزان تناسب با فضاهای باز موجود
  - در نظرگیری فضاهای باز بیشتر با توجه به کمبودهای احتمالی در مناطق شهری و تراکم جمعیت و ساختمان
- ۱۰- تشکر و قدردانی**
- آقای دکتر سیدمحسن حبیبی، پیش از این که مقاله پیش رو به چاپ برسد، از این دنیا رفته اند؛ اما تمام مطالب این مقاله که برگرفته از رساله دکتری اشاره شده است، زیر نظر و بر اساس راهنمایی های ایشان انجام گرفته است.
- اینجانب فرانک عطارد، به عنوان یکی از نویسندگان این مقاله، بالاترین مراتب سپاس و قدردانی خود را تقدیم استاد بزرگوار و همیشه زنده ام، آقای دکتر سیدمحسن حبیبی می نمایم. همچنین از آقای دکتر حسین ذبیحی،





آیورلوپس. ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی و دیگران. تهران: متن.

● منصوریان، یزدان. ۱۳۸۶. گراند تئوری: نظریه سازی استقرایی بر اساس داده های واقعی. مسائل تعلیم و تربیت. (۲۱): ۳۴-۴۶.  
هایپرلینک

● یوسفیان، جواد. ۱۳۷۹. نگاهی به مفهوم زیبایی شناسی. پژوهش های فلسفی. (۱۷۷): ۱۳۵-۱۷۹.  
<https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=28314>

● Chamberlain, K. 1995. What Is Grounded Theory? Qualitative Research for the Human Science.  
<http://kerlins.net/Bobbi/Research/Qualresearch/Bibliography/Gt.Html>

● Ferdous, F. 2013. Examining the Relationship Between Key Visual Characteristics of Urban Plazas and Aesthetic Response. SAGE Open: 1-10.  
<https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/2158244013485581>

● Galindo, Ma Paz & Hidalgo, Ma Carmen. 2007. Aesthetic preferences and the attribution of meaning: Environmental categorization processes in the evaluation of urban scenes. Psychology, 40 (1): 19-27.  
<https://www.researchgate.net/publication/247509068>

● Jennath, K. A. & Nidhish P. J. 2016. Aesthetic judgement and visual impact of architectural forms: a study of library buildings. Procedia Technology, 24: ۱۸۰۸-۱۸۱۸.  
<https://www.semanticscholar.org/paper/Aesthetic-Judgement-and-Visual-Impact-of-Forms%3A-A-Jennath-Nidhish/e83616ab4cfca61582d22e9baf1d3214d9b6a94>

● Keshtkaran, Reza, Amin Habibi & Hamidreza Sharif. 2017. Aesthetic Preferences for Visual Quality of Urban Landscape in Derak High-Rise

استاد مشاور رساله مورد اشاره، بخاطر همه زحمات و حمایت های شان، تشکر می نمایم.

## ۱۱- پی نوشت ها

<sup>1</sup> Grounded Theory

<sup>2</sup> Aesthetic

<sup>3</sup> Subjective

<sup>4</sup> Q-Sort

## ۱۲- منابع فارسی و لاتین

● احمدی، فرهاد. ۱۳۸۸. حقیقت و زیبایی. تهران: نشر مرکز.

● استراوس، انسلم و جولیت کرین. ۱۹۹۰. مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نی.

● پازوکی، شهرام. ۱۳۸۴. حکمت هنر و زیبایی در اسلام. تهران: فرهنگستان هنر.

● پاکزاد، جهانشاه و شمین گلرخ. ۱۳۹۴. فهم تجربه تغییر یکباره مکان؛ حس مکان ساکنان و کسبه خیابان پیاده راه شده ۱۷ شهریور تهران. صفه. (۷۰): ۶۵-۸۰.  
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=283442>

● پویا، علیرضا و حسنیه طباطبایی. ۱۳۹۰. راهبرد کیفی پژوهش نظریه مفهوم سازی بنیادی. نیروی انسانی پلیس، ۳۷ (۸): ۱۱-۳۸.

[http://journals.police.ir/article\\_9316.html](http://journals.police.ir/article_9316.html)  
● شلی، جیمز. ۲۰۰۱. تجربه گرایی، هاجیسون و هیوم. در دانشنامه زیبایی شناسی، بریس گات و مک آیورلوپس. ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی و دیگران. تهران: متن.

● گلدمن، آلن. ۲۰۰۱. امر زیبا. در دانشنامه زیبایی شناسی، بریس گات و مک آیورلوپس. ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی و دیگران. تهران: متن.

● لک، آزاده. ۱۳۹۳. کاربرد نظریه زمینه ای در پژوهش های طراحی شهری. صفه. (۶۴): ۴۳-۶۰.  
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=290645>

● مارگولیس، جوزف. ۲۰۰۱. زیبایی شناسی در قرون وسطی. در دانشنامه زیبایی شناسی، بریس گات و مک



## ۱۳- چکیده تصویری



Buildings (Shiraz). Sustainable Development. 10 (5): 94-106.

<http://www.ccsenet.org/journal/index.php/jstd/article/view/68673>

•Manzo, Lynn. 2005. For Better or Worse: Exploring the Multiple Dimensions of Place Meaning. Environmental Psychology, 25 (1): 67-86.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S027249440500006X>

•Rezafar, Azadeh & Sence Turk, Sevkiye. ۲۰۱۸. چگونگی درک زیبایی شناسی بصری ساکنان منطقه ۲ شهر تهران از احجام و توده های ساختمانی. Urban izziv, 29 (2): 83-95.

[https://www.researchgate.net/profile/Azadeh\\_Rezafar/publication/329708203](https://www.researchgate.net/profile/Azadeh_Rezafar/publication/329708203)

•Rosiani, Abitya Indah, Ispurwono Soemarno & Haryo Sulistyarso. 2012. Visual Aesthetic Study Based On Building Form and Massing Organization Criteria Along Suramadu Bridge Corridor, Surabaya. architecture&ENVIRONMENT. 11(1): ۸۹-۹۹.

<https://www.researchgate.net/publication/285542984>

•Trost, J. 1986. Research Note: Statistically Nonrepresentative Stratified Sampling: A Sampling Technique for Qualitative Studies. Qualitative Sociology, 9 (1): 54-5۷.

<https://link.springer.com/article/10.1007/BF00988249>

